

تحلیل جامعه شناختی احساس امنیت

میان شهروندان اراکی در سال ۱۳۹۰

علی ساعی *

زهرة شهبازی **

مهدی مبارکی ***

تاریخ دریافت: ۹۳/۲/۲۷

تاریخ پذیرش: ۹۳/۷/۸

چکیده

هدف این مطالعه بررسی رابطه بین احساس امنیت و اعتماد می باشد. رویکرد نظری حاکم بر این تحقیق رویکرد گیدنز می باشد. گیدنز معتقد است که در دنیای جدید شرایطی پدید آمده که اطمینان بخش نیست و بر وجود امنیت دلالت ندارد. بنابراین اعتماد شرط تحقق امنیت خواهد بود و در غیر این صورت یعنی اگر اعتماد پرورش نیابد، نتیجه اش هراس وجودی و احساس عدم امنیت است. روش پژوهش پیمایش و جامعه آماری شامل تمام شهروندان اراکی

saeia@modares.ac.ir

shahbazi140@yahoo.com

mobaraki.mhd@gmail.com

* استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس.

** عضو هیات علمی جهاد دانشگاهی واحد استان مرکزی.

*** عضو هیات علمی جهاد دانشگاهی واحد استان مرکزی.

است. تکنیک جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه است. روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌بندی شده و حجم نمونه ۴۰۰ نفر است. در این مطالعه احساس امنیت در چهار بعد احساس امنیت مالی، احساس امنیت جانی، احساس امنیت فکری و احساس امنیت جمعی مورد اندازه‌گیری قرار گرفته و رابطه هر یک از این ابعاد به طور جداگانه با متغیر اعتماد سنجیده شده است. بر اساس نتایج در جامعه مورد بررسی در سال ۱۳۹۰، میان اعتماد و احساس امنیت رابطه معناداری وجود دارد. از آنجا که بعد اعتماد تعمیم یافته نسبت به سایر ابعاد اعتماد با احساس امنیت رابطه آماری قوی تری را نشان داده است در پیشنهادات تحقیق نیز راهکارهایی جهت افزایش اعتماد اجتماعی در راستای افزایش احساس امنیت ارائه شده است.

واژه‌های کلیدی: احساس امنیت، اعتماد بنیادین، اعتماد بین شخصی،

اعتماد تعمیم یافته، اعتماد

بیان مساله

مساله‌ای که در این مقاله به آن اشاره می‌شود این است که احساس امنیت یکی از نتایج و پیامدهای مهم توسعه اجتماعی است و فقدان امنیت و احساس امنیت در هر یک از ابعاد آن، مساله‌ای اجتماعی تلقی می‌گردد. می‌توان گفت که توسعه اجتماعی به عنوان امری معطوف به بهبود وضعیت اجتماعی زندگی انسان، با امنیت اجتماعی یا همان رفع خطر و تهدیدات از زندگی اجتماعی مرتبط و همبسته است و دستیابی به آن (توسعه اجتماعی) نیازمند بسترهای کلیدی مانند ساختارهای اجتماعی مناسب و وجود اعتماد، مشارکت، آگاهی و ... که با مفهوم سرمایه اجتماعی شناخته می‌شوند، می‌باشد. به عبارت دیگر شاخص‌های معرف سرمایه اجتماعی مانند اعتماد اجتماعی در تولید و بازتولید توسعه اجتماعی و متعاقب آن احساس امنیت نقش بسزایی را ایفا می‌نمایند.

اما باید در نظر داشت که به موازات گسترش اجتماعات و پیچیده تر شدن روابط و تعاملات اجتماعی، موجود بشری وارد روابط گوناگونی شد که عرصه‌های زندگی را تحت عناوین اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و... از هم متمایز کردند و امنیت را تحت شعاع قرار دادند. بشر که برای تامین امنیت و فرار از ناامنی، جامعه را تشکیل داده بود به زودی دریافت که این بار امنیت او نه تنها از سوی طبیعت و عوامل طبیعی بلکه از سوی انسان‌ها و عوامل گوناگون اجتماعی، اقتصادی، سیاسی نیز تهدید می‌شود. بدین ترتیب دغدغه همیشگی او برای یافتن امنیت در مقوله‌ای جدید با عنوان احساس امنیت اجتماعی ظهور کرد. اگر در جوامع سنتی و کمتر تمایز یافته، اعتماد به عنوان عامل تاثیر گذار در ایجاد احساس امنیت، محدود به پیوندهای خانوادگی و خویشاوندی می‌شد، در جوامع تمایز یافته دیگر محدود به این نهادها نبوده و اعتمادی عام و تعمیم یافته است در این جوامع موقعیت‌های مخاطره آمیز و دغدغه ساز عینی و ذهنی افزایش یافته، هزینه تعاملات اجتماعی افزایش پیدا کرده و ایجاد اختلال در اعتماد اجتماعی و بروز بی تفاوتی اجتماعی و کاهش انسجام اجتماعی به اختلال در احساس امنیت و بروز شرایط نگرانی انجامیده است.

این مسئله را می‌توان در نتایج و یافته‌های تحقیقات انجام شده ردیابی کرد. به طور مثال به استناد یافته‌های پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (۱۳۸۲) می‌توان گفت که ۲۸/۲ درصد از مردم احساس امنیت جانی کمی دارند و یا ۳۴/۲ درصد از مردم احساس امنیت برای حفظ مال و اموال خود را در سطح پایین ارزیابی کرده‌اند، همچنین ۵۴/۸ درصد از مردم احساس می‌کنند در صورت از دست دادن شغل خود احتمال کمی برای به دست آوردن شغل مناسب دیگری دارند، حدود ۳۰ درصد از مردم نیز اعلام کرده‌اند نگران از دست دادن کار خود هستند. همچنین بر اساس نتایج پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های شهر اراک ۳۳/۵ درصد از شهروندان اراکی احساس امنیت کمی در خصوص این که بدون نگرانی فعالیت اقتصادی نمایند دارند، همچنین ۱۶/۵ درصد از آنها معتقدند که آبرو و حیثیت افراد در جامعه محترم شمرده نمی‌شود و نهایتاً حدود

۳۰ درصد از شهروندان اراکی اعلام کرده‌اند که از احساس آزادی کم و یا خیلی کمی برای انجام فعالیت‌های مدنی خویش برخوردارند (ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، ۱۳۸۱: ۱۳۹).

همچنین با بررسی رفتارهای اجتماعی و همچنین ارزش‌ها و نگرش‌های افراد، شاهد افول میزان سرمایه‌های اجتماعی در بین آنها، همچون کاهش مشارکت‌های اجتماعی، اعتماد اجتماعی و سیاسی، تغییرات بسیار زیادی در ارزش‌های مذهبی، خانوادگی و جنسیتی بوده‌ایم (ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، ۲-۱۳۸۰)؛ (یارمحمد توسکی، ۱۳۸۴). چنانچه در نتایج طرح مطالعات آمایش استان مرکزی تنها ۳۷ درصد از کل پاسخگویان استان از اعتماد اجتماعی بالایی برخوردار هستند و ۵۴/۳ درصد اعتماد اجتماعی متوسطی دارند و حدود ۱۰ درصد از کل پاسخگویان نیز نسبت به دیگران از اعتماد اجتماعی کمی برخوردارند. به شکل کلی میزان اعتماد اجتماعی به گروه‌های غیر خودی کم می‌باشد به طوری که تنها ۸/۱ درصد از پاسخگویان اعلام داشته‌اند که به همشهری‌های خود اعتماد دارند و ۵۴/۸ درصد بر این نظر بوده‌اند که به همشهری‌های خود اعتماد ندارند و این میزان تقریباً به شکل یکسان در میان شهرستان‌های استان مرکزی وجود داشته است (بررسی وضعیت فرهنگی و اجتماعی استان، استانداری، ۱۳۸۸).

با این وجود می‌توان این ادعا را داشت که کاهش یا افزایش اعتماد با کاهش و افزایش احساس امنیت در جامعه رابطه دارد. بنابراین در ادامه سعی می‌شود به این پرسش‌ها پاسخ داد که: ابعاد مهم اعتماد هر یک به طور جداگانه چه رابطه‌ای با احساس امنیت دارند؟ در حالت کلی چه رابطه‌ای بین اعتماد و احساس امنیت وجود دارد؟

پیشینه تحقیق

حمدا... نادری (۱۳۸۸) بررسی رابطه احساس امنیت اجتماعی و سرمایه اجتماعی (مطالعه موردی شهر اردبیل)؛ هدف این پژوهش، بررسی رابطه بین احساس امنیت اجتماعی و سرمایه اجتماعی در چهار مؤلفه اصلی (اعتماد اجتماعی، روابط اجتماعی، مشارکت اجتماعی و انسجام اجتماعی) بوده که با استفاده از روش پیمایشی و ابزار پرسشنامه، جمع‌آوری داده‌های تحقیق در سطح شهر اردبیل مطابق با روش نمونه‌گیری مطبق متناسب و نمونه آماری ۲۵۱ نفر در سال ۱۳۸۸ انجام گرفته است. نتایج تفسیری بیانگر این است که هر چه میزان سرمایه اجتماعی در جامعه بیشتر باشد به همان میزان احساس امنیت نیز بیشتر خواهد بود. در تحلیل نهایی، شاخص اعتماد اجتماعی بیشترین همبستگی را با احساس امنیت اجتماعی نشان داده است. از میان مشخصات فردی، جنسیت، وضعیت اشتغال، هزینه‌های ماهیانه خانوار و منطقه محل سکونت در میزان احساس امنیت اثر گذار بوده‌اند. در این تحقیق با استفاده از تئوری‌های موجود بدون لحاظ کردن چارچوب نظری خاص بین متغیرهای تحقیق رابطه برقرار شده است و نتایج توصیفی و استنباطی آورده شده است.

سعیده گروسی (۱۳۸۵) بررسی رابطه اعتماد اجتماعی و احساس امنیت (مطالعه موردی دانشجویان دختر دانشگاه جیرفت)؛ در این پژوهش امنیت معادل فقدان تهدید هویت گروهی، ارزشی و اعمال غیرقانونی در نظر گرفته شده و شاخص‌های آن را فقدان تهدید هویت جمعی و عدم تهدید ارزش‌های مشترک برشمرده است و از آن جایی که همه افراد جامعه در ساخت و حفظ امنیت و احساس امنیت مشارکت دارند پس احساس امنیت را با مفهوم اعتماد مرتبط دانسته است. چارچوب تئوریک این پژوهش آراء گیدنز درباره اعتماد می‌باشد. بر اساس مدل تحلیلی این تحقیق اعتماد اجتماعی در سه سطح بنیادین، اعتماد بین شخصی و اعتماد تعمیم یافته مورد سنجش قرار گرفته و رابطه آن با احساس امنیت بررسی شده است. بر اساس این پژوهش بین

اعتماد بین شخصی پاسخگویان با میزان اعتماد رابطه وجود دارد ولی اعتماد بنیادین و اعتماد تعمیم یافته بر احساس امنیت تأثیری نداشته است.

سجاد اوجاقلو، محمد جواد زاهدی (۱۳۸۴) بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل موثر بر آن در بین ساکنان شهر زنجان؛ این مقاله از منظر توسعه اجتماعی و گسترش مدرنیته، اعتماد اجتماعی را مورد بررسی قرار داده است و اعتماد اجتماعی را یکی از مهم‌ترین پیش شرط‌های شناخت جامعه جهت فراهم سازی شرایط توسعه اجتماعی می‌داند. اعتماد اجتماعی متغیر وابسته تحقیق و سنت‌گرایی، پایگاه اجتماعی و تحصیلات به عنوان متغیر وابسته این تحقیق می‌باشند، نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که بین سنت‌گرایی و اعتماد تعمیم یافته رابطه معناداری وجود دارد، بین متغیر پایگاه اجتماعی و اعتماد تعمیم یافته رابطه وجود ندارد اما بین تحصیلات پاسخگویان و اعتماد اجتماعی رابطه مستقیمی وجود دارد.

مهدی امیر کافی (۱۳۷۴) بررسی احساس امنیت و عوامل موثر بر آن (مطالعه موردی شهر تهران)؛ این تحقیق بررسی چگونگی وضعیت احساس امنیت و یا احساس ناامنی در شهر تهران می‌پردازد. تحقیق حاضر از نوع تحلیل ثانویه است که تلاش می‌کند بر اساس داده‌های موجود که به منظور دیگری گردآوری شده‌اند تحلیل متفاوتی عرضه کند. متغیرهای موجود در مدل از چند تئوری و دیدگاه گرفته شده است که مهم‌ترین آنها عبارتند از: نظریه پنجره‌های شکسته (کلینگ، ۲۰۰۱)، نظریه تقویت ساختاری (روس و دیگران، ۲۰۰۱)، الگوی توسعه خطی (تونیس، ۱۳۸۱؛ زیمل، ۱۳۷۲؛ ویرث، ۱۹۳۸) و نظریه نظم اجتماعی (چلبی، ۱۳۷۵).

مبانی نظری

نیکلاس لومان در کتاب قدرت و اعتماد، اعتماد را در ارتباط با مخاطره و خطر کردن در نظر گرفته و اعتقاد دارد که عدم پیش بینی پذیری رفتار انسان‌ها همواره احتمال

بروز پیامدهای پیش بینی نشده برای دیگران را در خود دارد که در نتیجه فعالیت‌ها یا تصمیم‌های آدم پیش می‌آید (گیدنز، ۱۳۷۷: ۱۱۰).

لومان اعتماد را به صورت روشن تر به انتظارات و چشم داشت‌های برآورده نشده افراد در زندگی اجتماعی در دنیای مدرن اطلاق می‌کند. به نظر وی اعتماد این است که شما مطمئن هستید که چشم داشت‌هایتان برآورده خواهد شد مانند این که سیاستمداران خواهند کوشید تا از جنگ پرهیز کنند، اتومبیل‌ها ناگهان از خیابان منحرف نشده و شما را در حال پیاده روی در پیاده رو زیر نخواهند گرفت. شما بدون داشتن چشم داشت‌هایی در مورد رویدادهای احتمالی نمی‌توانید زندگی کنید و باید امکان برآورده نشدن این چشم داشت‌ها را کم و بیش ندیده بگیرید، شما نه تنها برای آن که این امکان‌ها بسیار کم پیش می‌آیند، بلکه به این دلیل آن‌ها را نادیده می‌گیرید که نمی‌دانید چه کار دیگری را باید انجام دهید. بعد دیگر این قضیه، زندگی در یک حالت بی‌اطمینانی دائمی و صرف نظر کردن از چشم داشت‌هاست، بدون آن که چیز برای جایگزینی داشته باشیم (لومان به نقل از گیدنز، ۱۳۷۷: ۳۸).

در نظریات کارکردگرایان نیز ارتباط بین اعتماد و احساس امنیت را می‌توان مشاهده کرد؛ چون کارکردگرایان علاقمند به حفظ یکپارچگی نظام اجتماعی هستند، بنابراین به نظر آنها چنانچه اجزای نظام در روابط خود ناسازگار باشند، نظام تجزیه می‌شود و اگر ستیز بین اجزا به عنوان یکی از ارکان نظام قرار گیرد موجب نابودی و اضمحلال آن خواهد شد. اگر وفاق نباشد ستیز میان نهادها شدت می‌یابد، پس اگر ارزش‌های موجود در نهادهای متفاوت یک جامعه مجزا و متفاوت از یکدیگر باشند، این تفاوت ارزش‌ها منجر به ستیز نهادها و نهایتاً منجر به ستیز غیرقابل تحملی بین مردمی که اعضای آن نهادها هستند، خواهد شد. اما وفاق ارزشی در میان نهادها آنها را در جهت یکسانی سیر می‌دهد. یعنی انتظارات نهادهای متفاوت از مردم برای عمل به تعهداتشان در قبال جامعه با یکدیگر سازگار است (توسلی، ۱۳۷۰: ۳۶۷). بر این مبنای در کارکردگرایی امنیت و احساس امنیت، بایستی در کارکرد اجزای نظام اجتماعی و

هماهنگی و انسجام آنها با همدیگر و با کل جامعه تولید، حفظ و بازتولید شود، از این رو در این دیدگاه فرض بر این است که جامعه به واسطه هماهنگی عناصر و اجزایش ارزش‌های مشترک تولید کرده و از طریق جامعه‌پذیری آنها، امنیت لازم را کسب می‌نماید (بیات، ۱۳۸۹: ۹۱).

اعتماد و احساس امنیت

بر اساس نظریات گیدنز احساس اعتماد پذیری اشخاص و چیزها که برای مفهوم اعتماد بسیار مهم است، برای احساس امنیت وجودی نیز، اهمیت بنیادین دارد. برای همین است که این دو احساس از جهت روان‌شناختی پیوند نزدیکی با هم دارند. به اعتقاد گیدنز، اعتماد نوعی پدیده عام و حیاتی در توسعه شخصیت است. اعتماد، در جلوه‌های عمومی خود به طور مستقیم مرتبط با دستیابی به نوعی احساس امنیت وجودی است. بدین معنا، اعتماد پيله حفاظتی است که فرد در رویارویی با واقعیت‌های روزانه بدان احتیاج دارد. پیشامدهای بالقوه‌ای که اگر فرد واقعاً بدانها توجه کند، ممکن است فلج‌کننده اراده یا نابودکننده احساسات باشند، که به کمک اعتماد از گردونه زندگی جاری خارج می‌شوند. گیدنز استدلال می‌کند که مخاطره و اعتماد در هم بافته‌اند و اعتماد معمولاً در خدمت تقلیل یا تخفیف خطرهایی کار می‌کند که انواع خاصی از فعالیت‌های بشری با آنها روبرو هستند. به عبارت دیگر، تمایل به اعتماد در ارتباط با موقعیت‌های خاص، اشخاص یا نظام‌ها و حتی در سطح وسیع‌تری، مستقیماً با امنیت افراد و گروه‌ها مرتبط است (بیات، ۱۳۸۹: ۱۱۳).

گیدنز با تقسیم اعتماد به دو بخش اعتماد بین افراد کاملاً شناخته شده مبتنی بر ارتباط چهره‌دار و اعتماد بین افراد ناشناس مبتنی بر ارتباط بی‌چهره، اعتقاد دارد که در دنیای جدید در نوع دوم اعتماد که متلازم با "جامعه خطرپذیر" است امنیت وجودی مورد خدشه واقع می‌شود و آثار و تبعاتی را برای زندگی به ویژه در عرصه مدیریت زندگی درآینده به وجود می‌آورد که نگرانی و دغدغه، احساس تنهایی و احساس

آینده‌ای غیرشفاف و ابهام‌آلود از جمله این تبعات می‌باشند. امنیت وجودی یکی از صورت‌های مهم احساس امنیت است و در واقع به اطمینانی راجع است که بیشتر آدم‌ها به تداوم تشخیص هویت خود و دوام محیط‌های اجتماعی و مادی کنش در اطراف خود دارند. احساس اعتماد پذیری اشخاص و چیزها که برای مفهوم اعتماد بسیار مهم است، برای احساس امنیت وجودی نیز اهمیت بنیادی دارد، برای همین است که این دو احساس از جهت روان‌شناختی پیوند نزدیک‌تر با هم دارند (گیدنز، ۱۳۷۷: ۱۱۰).

بر این مبنا در دنیای جدید اعتماد را همچنان که تئوری پردازان سرمایه اجتماعی چون پاتنام، کلمن و لوری بیان کرده‌اند بایستی عنصری در نظر گرفت که از یک سو هزینه‌های مادی، روانی، عاطفی و اجتماعی تعاملات بین فردی افراد را کاهش می‌دهد و از سوی دیگر نوعی اطمینان نسبت به آینده ایجاد می‌کند. بر این اساس وجود اعتماد، امنیت وجودی را تقویت کرده و به دنبال آن احساس امنیت در افراد افزایش پیدا می‌کند (بیات، ۱۳۸۹: ۴۵).

چارچوب نظری

همان‌طور که در قسمت ادبیات نظری لحاظ شده و در پیشینه تجربی آورده شده است، استفاده از نظریه‌هایی که حد واسط خرد- کلان می‌باشند برای بررسی مفهوم اعتماد مناسب‌تر به نظر می‌رسد، به همین منظور به دلیل این‌که نظریات گیدنز دارای این ویژگی بوده همچنین ارتباطی که گیدنز بین اعتماد و احساس ناامنی برقرار می‌نماید برای چارچوب نظری این کار مناسب به نظر می‌رسد. بنابراین رویکرد نظری حاکم بر این تحقیق رویکرد گیدنز می‌باشد. در رویکرد گیدنز وجوه روان‌شناختی و جامعه‌شناختی اعتماد به صورت توأمان مورد بررسی قرار می‌گیرند و بنابراین از هرگونه تقلیل‌گرایی جلوگیری می‌شود. گیدنز اعتماد را به عنوان بعدی از ساخت اجتماعی

مورد بررسی قرار می‌دهد که به شکل کامل و منحصری نمی‌تواند در سطح روان شناختی یا در سطح نهادی مطالعه شود، بلکه برای درک آن، ویژگی روان شناختی و سطح نهادی باید به طور همزمان مورد توجه قرار گیرد، برای همین اعتماد را در سه سطح اعتماد بنیادین، اعتماد بین شخصی و اعتماد تعمیم یافته مورد سنجش قرار می‌دهد.

در رویکرد گیدنز ارتباط بین ریسک و مخاطره با اعتماد و به دنبال آن احساس امنیت به خوبی بیان شده است. به دلیل این که ممکن است کنش‌های پیش بینی نشده دیگران برای ما خطرهایی به همراه داشته باشند یا محول کردن برخی کارها به افراد دیگر ممکن است مفید واقع شود یا از آن سوء استفاده شود، برای همین است که ما می‌گوییم موقعیت‌هایی که اعتماد را در بر می‌گیرند، با ریسک همراه‌اند. بنابراین اگر به دلایل گوناگون بی‌اعتمادی حاصل شود این بی‌اعتمادی سبب می‌شود که "فرد هشیاری خود را در جهت مهار طرف یا طرف‌های مقابل به کارگیرد. احساس بی‌اعتمادی شخص را ملزم به رعایت احتیاط، اقدامات تدافعی و دوری از ریسک و به خطر انداختن خود می‌نماید" (زتومکا، ۱۳۸۴: ۱۲۰). به این ترتیب افراد احساس خطر نموده و موقعیت‌های زندگی روزانه خود را با ریسک بالا ارزیابی می‌کنند و سپس احساس ناامنی و عدم امنیت می‌نمایند.

گیدنز روابط اجتماعی در دوران مدرن را با مفهوم از جاکندگی توضیح می‌دهد و رابطه بین سنت و مدرنیته را بر اساس این مفهوم توضیح می‌دهد. وی گذر سنت از مدرنیته را عبارت از کنده شدن روابط اجتماعی از محیط‌های محلی همکنش (سستی) و تجدید ساختار این محیط‌ها در راستای پهنه‌های نامحدود زمانی-مکانی می‌داند (گیدنز، ۱۳۷۷: ۲۷). بر مبنای این مفهوم در دنیای مدرن دو نوع مکانیسم "نشانه‌های نمادین" و "نظام‌های تخصصی" که گیدنز این دو را "نظام‌های مجرد" می‌نامد، ایجاد شده است. نشانه‌های نمادین وسایل تبدلی هستند که بدون توجه به ویژگی‌های افراد با گروه‌هایی که آن‌ها را در هر برهه خاص به کار می‌گیرند، می‌توان آن‌ها را به گردش در

آورد مانند وسایل مشروعیت سیاسی و پول (همان، ۲۷). منظور از نظام‌های تخصصی هم انجام دادن کار فنی یا مهارت تخصصی است که حوزه‌های وسیعی از محیط‌های مادی و اجتماعی زندگی کنونی ما را سازمان می‌دهند، مانند وکیلان، پزشکان و مهندسان (گیدنز، ۱۳۷۷ : ۳۳).

به نظر گیدنز نظام‌های مجرد در دنیای مدرن خطر و مخاطره را وارد زندگی انسان کرده و این مفهوم چیزی است که فقط در دنیای مدرن پدیدار شده است و این مفهوم از این واقعیت ریشه می‌گیرد که پیامدهای پیش بینی نشده ممکن است در نتیجه فعالیت‌ها یا تصمیم‌های آدم‌ها پیش بیایند و این پیامدها بیانگر معانی پنهان طبیعت یا نیت‌های وصف ناپذیر خدایان نیستند. در حقیقت مخاطره جای چیزی را گرفته است که در گذشته بخت یا سرنوشت می‌انگاشتیم (همان، ۳۸).

زندگی در دنیای مدرن زندگی در محیطی آکنده از شانس و خطرهای احتمالی است. در دنیای قدیم و سنتی بحث سرنوشت و تقدیر، آینده رقم زده شده را برای افراد ترسیم کرده بود و در آن آینده وضعیت افراد از قبل مشخص بود، ولی در دنیای جدید کنار گذاشتن نگرشی تقدیرگرایانه به آینده، مفهوم خطر کردن به واسطه این که درها به روی آینده مسئله‌زا و ابهام‌آور گشوده است، جایگاه مرکزی پیدا کرده و احساس امنیت افراد را تحت تاثیر گذاشته است (گیدنز به نقل از بیات، ۱۳۸۹ : ۱۰۹). به نظر گیدنز «اضطراب همبسته طبیعی هر نوع خطر است. این احساس، از اوضاع واحوال مغشوش و آشفته و از خطرهای ناشی از آن سرچشمه می‌گیرد» (گیدنز، ۱۳۸۵ : ۳۱).

گیدنز تاکید دارد که همه افراد بر اساس امور گوناگون روزمره، چارچوب معینی را برای تضمین امنیت وجودی خود دست و پا می‌کنند. مردم بر حسب فرمول عاطفی و رفتاری خاصی که به صورت جزئی از رفتار و اندیشه هر روزه آنها در می‌آید، با خطرات گوناگون و بیم و هراس‌های متصور از آنها، دست و پنجه نرم می‌کنند. گیدنز اضطراب را در ارتباط با امنیت خاطر مورد شناسایی قرار می‌دهد و بر این اصل تاکید دارد که در دنیای جدید شرایطی پدید آمده است که اطمینان بخش نیست و بر وجود

امنیت دلالت ندارد. بنابراین اعتماد که از ایمان سرچشمه می‌گیرد و پیوند میان ایمان و اطمینان است، شرط تحقق امنیت خواهد بود و در غیر این صورت یعنی اگر اعتماد بنیادی پرورش نیابد نتیجه‌اش هراس وجودی و احساس عدم امنیت است (گیدنز به نقل از بیات، ۱۳۸۹: ۱۱۰). همچنین از نظر گیدنز در دنیای جدید دو نوع اعتماد وجود دارد: یک نوع قابلیت اعتمادی که در بین افرادی که آشنایی کامل با هم دارند صورت می‌گیرد که مبنای آن شناخت دقیق و آشنایی طولانی است و افراد صلاحیت لازم برای قابلیت اعتماد را به صورت تجربی به یکدیگر اثبات کرده‌اند، و نوع دوم قابلیت اعتمادی است که در بین افرادی صورت می‌گیرد که نسبت به هم به صورت تجربی شناخت کامل ندارند و به اصطلاح نسبت به هم غریبه‌اند ولی افراد تحت تاثیر نظام‌های تخصصی و کارشناسی مجبورند به دیگران اعتماد کنند (گیدنز، ۱۳۷۷: ۱۰۸). در حقیقت گیدنز با استفاده از مفاهیمی همچون ساخت یابی زندگی اجتماعی در قالب نظام‌های مجرد و انتزاعی، مخاطره و ریسک و اضطراب وجودی، مدلی برای تبیین احساس امنیت در ارتباط با انواع اعتماد ارائه داده است. بنابراین از نگاه گیدنز اعتماد شرط تحقق احساس امنیت است، احساس امنیت تابعی از اعتماد می‌باشد. اعتماد شکل گرفته بر اساس جامعه‌پذیری، بویژه اعتماد در سطح اعتماد بنیادین که در دوران کودکی و در فرایند جامعه‌پذیری شکل می‌گیرد بر احساس امنیت در سطوح گوناگون تاثیر گذار بوده و با آن رابطه دارد. با افزایش اعتماد در سطوح گوناگون احساس امنیت نیز افزایش می‌یابد.

با توجه به چارچوب تحقیق فرضیه‌های مقاله به صورت زیر مطرح می‌شود:

- به نظر می‌رسد که بین اعتماد بنیادین و احساس امنیت در شهروندان اراکی رابطه معنادار وجود دارد.
- به نظر می‌رسد که بین اعتماد خاص و احساس امنیت در شهروندان اراکی رابطه معنادار وجود دارد.

- به نظر می‌رسد که بین اعتماد اجتماعی و احساس امنیت در شهروندان اراکی رابطه معنادار وجود دارد.

- به نظر می‌رسد که بین اعتماد و احساس امنیت در شهروندان اراکی رابطه معنادار وجود دارد.

برای این که بتوان این گزاره تئوریک را با واقعیت تطبیق داد در ادامه مقاله آن را به سنجه‌های قابل مشاهده تبدیل کرده‌ایم. بر اساس قاعده عملیاتی سازی، برای هر یک از مفاهیم مورد استفاده در تبیین تئوریک معرف سازی شده است.

روش شناسی

در تحقیق حاضر از دو روش معمول در تحقیقات جامعه‌شناسی، روش اسنادی و پیمایش استفاده شده است. از آنجا که این تحقیق درصدد بررسی وضعیت اعتماد و احساس امنیت در بین مردم شهر اراک می‌باشد، متغیرها در سطح فردی (پاسخگویان) مورد سنجش قرار خواهند گرفت. بنابراین نتایج نیز در سطح فردی توصیف و تحلیل می‌شوند. پس واحد مشاهده و واحد تحلیل، فرد است. ابزار مشاهده نیز، مصاحبه با استفاده از پرسشنامه ساخت یافته است. جامعه آماری این تحقیق شامل تمام افراد بالای ۱۵ سال ساکن در شهر اراک (اعم از زن و مرد) می‌باشد. که شمار آنها بر اساس نتایج اولیه در سرشماری سال ۱۳۹۰ برابر با ۶۲۲۶۴۲ نفر می‌باشد (سند توسعه اشتغال استان، ۱۳۹۰)، از این تعداد ۲۲۵۹۰۳ نفر مرد و ۲۲۰۸۵۷ نفر زن هستند.

عملیاتی سازی مفاهیم

برای سنجش اعتماد آن را در سه بعد اعتماد بنیادین، اعتماد بین شخصی و اعتماد تعمیم یافته در نظر گرفته‌ایم.

معرف عملی اعتماد بنیادین به شرح زیر اندازه‌گیری شده است.

۱- تصور مثبت نسبت به دیگران؛ ۲- اطمینان به دنیای مدرن؛ ۳- اعتماد به نفس؛ ۴- امکان برنامه‌ریزی برای آینده.

اعتماد بین شخصی اطمینان و اعتماد به آشنایان در نظر گرفته شده است و از طریق میزان صداقت، پابندی به قول و قرار، گذشت و فداکاری، دورویی و تظاهر در بین افراد خانواده، فامیل و دوستان اندازه‌گیری نموده‌ایم.

اعتماد تعمیم یافته که داشتن حسن ظن به غریبه‌ها و افراد ناشناس است را به وسیله اعتماد به افراد غریبه و اعتماد به نهاد و نظام‌های تخصصی سنجیده‌ایم. از جمع کردن نمره نهایی هریک از این شاخص‌ها، شاخص نهایی اعتماد به دست آمده است. برای سنجش احساس امنیت آن را در چهار بعد احساس امنیت جانی، احساس امنیت مالی، احساس امنیت فکری و احساس امنیت جمعی در نظر گرفته‌ایم.

احساس امنیت جانی تضمین جسم و جان افراد در مقابل خطرات و آسیب‌هایی که مانع ادامه حیات آنان می‌شود، می‌باشد که به وسیله ترس از بلایای طبیعی، ترس از محیط ناشناس و ترس از محیط اجتماعی مورد سنجش قرار گرفته است.

احساس امنیت مالی تضمین دارایی‌ها و منابع مالی افراد می‌باشد که با ترس از دست دادن شغل و منبع درآمد، ترس از دزدی اموال و ترس از سرمایه‌گذاری اقتصادی سنجیده شده است.

احساس امنیت فکری این که افراد احساس کنند آزادانه می‌توانند افکار و اندیشه‌های خود را بیان کنند که با آزادی بیان فردی و آزادی بیان جمعی سنجیده شده است.

احساس امنیت جمعی نیز به وسیله ترس از شرکت در تجمعات، ترس از برگزاری تجمعات، برپایی مراسم گروهی و ترس از برگزاری جلسات سخنرانی مورد سنجش قرار گرفته است.

از جمع کردن نمره نهایی هریک از این ابعاد، شاخص نهایی احساس امنیت به دست آمده است.

حجم نمونه

برای نمونه‌گیری این تحقیق با توجه به این که مناطق شهر اراک بر اساس تقسیمات جغرافیایی به گونه‌ای است که مناطق پایین و بالای شهر از نظر پایگاه اجتماعی و اقتصادی ساکنان آنها در مجاورت یکدیگر قرار گرفته‌اند به عبارتی در یک منطقه جای دارند، با توجه به اهداف طرح برای رسیدن به نتایج مطلوب‌تر و کاهش خطا، تصمیم گرفته شد که مناطق را بر اساس منطقه مرکز (بالا)، حاشیه (پایین)، شهرک‌ها (متوسط) تقسیم بندی نموده و نمونه‌گیری را بر اساس این تقسیم بندی انجام دهیم. بر این اساس روش نمونه‌گیری این تحقیق نمونه‌گیری تصادفی طبقه بندی شده می‌باشد. حجم نمونه این تحقیق ۴۰۰ نمونه می‌باشد که بر اساس فرمول زیر به دست آمده است.

$$n = \frac{n_o}{1 + \frac{n_o}{N}}, \quad n_o = \frac{Z_{1-\frac{\alpha}{2}}^2 \cdot (1-p)}{\alpha^2 \cdot p}$$

$Z_{1-\frac{\alpha}{2}}$: چندک $\left(1 - \frac{\alpha}{2}\right) \times 100$ توزیع نرمال استاندارد

P : نسبت مورد نظر (که برای به دست آوردن نمونه ما کزیمم برابر با ۰/۵ در

نظر گرفته شده است)

α : خطای نسبی که برابر ۰/۰۵ در نظر گرفته شده است.

n : تعداد افراد نمونه بالای ۱۵ سال شهر اراک.

N : تعداد کل افراد بالای ۱۵ سال شهر اراک. (چهره ای، ۱۳۸۶)

اعتبار و پایایی

برای جمع‌آوری داده‌ها از تکنیک پرسشنامه ساخت یافته و محقق ساخت استفاده شده است. جهت کسب اطمینان از اعتبار پرسشنامه نیز از اعتبار صوری (استفاده از نظر

کارشناسان) استفاده شد. میزان پایایی از طریق روش آلفای کرونباخ مورد سنجش قرار گرفت که در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱- ضریب روایی مقیاس‌ها در پرسشنامه نهایی

پرسشنامه نهایی		متغیرها	پرسشنامه نهایی		متغیرها
ضریب روایی	تعداد گویه‌ها		ضریب روایی	تعداد گویه‌ها	
۰/۷۴	۴	احساس امنیت جانی	۰/۵۱	۴	اعتماد بنیادین
۰/۵	۳	احساس امنیت مالی	۰/۸۳	۱۲	اعتماد بین شخصی
۰/۵	۲	احساس امنیت فکری	۰/۶۷	۶	اعتماد تعمیم یافته
۰/۶۹	۴	احساس امنیت جمعی	۰/۹	۱۶	اعتماد نهادی

یافته‌ها

پس از اندازه‌گیری اعتماد در سه بعد اعتماد بنیادین، اعتماد بین شخصی و اعتماد تعمیم یافته توسط گویه‌های مربوطه، نتایج شاخص‌های آماری هر یک از آنها در جدول ۲ آورده شده است.

جدول ۲- نتایج ابعاد مفهوم اعتماد

شاخص‌های آماری		توزیع درصد			شاخص‌های اعتماد
انحراف معیار	میانگین	زیاد	بینابین	کم	
۱۸/۲۹	۵۱/۰۴	۶۲/۷	۵۸/۱۰	۲۲/۲۵	میزان شاخص اعتماد بنیادین
۱۹/۳۹	۶۴/۶	۵۶/۳۵	۸/۹۴	۲۴/۲۰	میزان شاخص اعتماد بین شخصی
۱۸/۹۳	۵۷/۳	۴۱/۰۱	۱۶/۳۷	۲۵/۶۳	میزان شاخص اعتماد تعمیم یافته
۱۷/۱	۴۹/۷	۵۳/۳۵	۲۷/۸	۲۴/۰۳	میزان شاخص اعتماد

بر اساس جدول ۲، ۲۴/۰۳ درصد از پاسخگویان اعتماد کمی دارند و ۵۳/۳۵ درصد میزان اعتمادشان زیاد است، این در حالی است که شاخص اعتماد تعمیم‌یافته به نسبت سایر شاخص‌های اعتماد در بین پاسخگویان میزان کمتری را به خود اختصاص داده است.

پس از اندازه‌گیری احساس امنیت در چهار بعد امنیت جانی، امنیت مالی، امنیت فکری و امنیت جمعی توسط گویه‌های مربوطه، نتایج شاخص‌های آماری هر یک از آنها در جدول ۳ آورده شده است.

جدول ۳- نتایج ابعاد مفهوم احساس امنیت

شاخص‌های آماری		توزیع درصد			شاخص‌های امنیت
انحراف معیار	میانگین	زیاد	بینابین	کم	
۱۹/۹	۴۴/۳	۳۹/۴۵	۱۳/۱۰	۲۹/۴۳	میزان شاخص امنیت جانی
۲۰/۲	۴۹/۳	۴۸/۱۸	۱۵/۶	۳۳/۰۵	میزان شاخص امنیت مالی
۲۳/۸	۴۷/۸	۳۷/۸	۹/۰۵	۴۰/۴۰	میزان شاخص امنیت فکری
۱۸/۱	۵۰/۲	۲۵/۴۷	۱۸/۹۳	۴۱/۳	میزان شاخص امنیت جمعی
۱۸/۱	۵۰/۶	۳۷/۷۳	۱۴/۱۷	۳۶/۱۶	شاخص امنیت

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌کنید ۳۶/۱۶ درصد از پاسخگویان اعلام کرده‌اند که احساس امنیت کمی دارند و ۱۴/۱۷ درصدشان نظر متوسط و بینابینی داشته‌اند و ۳۷/۷۳ درصد از آنها نیز اعلام کرده‌اند که از احساس امنیت بالایی برخوردارند.

در قسمت تحلیل داده‌ها با توجه به فرضیه‌های مقاله بین متغیرهای مورد نظر آزمون‌های آماری مربوطه انجام شده و محاسبات صورت گرفته است و نتایج به‌طور جداگانه در زیر آورده شده است.

برای آزمون فرضیه اول مقاله، از آنجا که متغیر مستقل (اعتماد بنیادین) و متغیر وابسته (احساس امنیت) در سطح سنجش فاصله‌ای اندازه‌گیری شده‌اند و نمودار پراکنش آنها یک رابطه خطی بین این دو متغیر را نشان می‌دهد برای نشان دادن رابطه همبستگی بین آنها از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است.

نام متغیر	تعداد	همبستگی پیرسون	سطح معنی‌داری
-----------	-------	----------------	---------------

اعتماد بنیادین	۳۹۰	۰.۰۷۶	۰.۱۳۶
----------------	-----	-------	-------

با توجه به نتایج به دست آمده از جدول بالا، می‌توان گفت که بین اعتماد بنیادین و احساس امنیت رابطه وجود ندارد.

برای آزمون فرضیه دوم مقاله، از آنجا که متغیر مستقل (اعتماد بین شخصی) و متغیر وابسته (احساس امنیت) در سطح سنجش فاصله‌ای اندازه‌گیری شده‌اند و نمودار پراکنش آنها یک رابطه خطی بین این دو متغیر را نشان می‌دهد برای نشان دادن رابطه همبستگی بین آنها از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است.

نام متغیر	تعداد	همبستگی پیرسون	سطح معنی‌داری
اعتماد شخصی	۳۹۰	۰.۲۱۰	۰.۰۰۰

با توجه به نتایج به دست آمده از جدول بالا، می‌توان گفت که با اطمینان ۰/۹۹ و سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۱ بین اعتماد بین شخصی و احساس امنیت رابطه وجود دارد. از طرفی مقدار این رابطه که برابر ۰/۲۱ است، به صورت مستقیم (مثبت) و در حد ضعیف می‌باشد. به عبارت دیگر با بالا رفتن اعتماد بین شخصی، میزان احساس امنیت نیز به نسبت ضعیفی بالا خواهد رفت.

برای آزمون فرضیه سوم مقاله، از آنجا که متغیر مستقل (اعتماد تعمیم یافته) و متغیر وابسته (احساس امنیت) در سطح سنجش فاصله‌ای اندازه‌گیری شده‌اند و نمودار پراکنش آنها یک رابطه خطی بین این دو متغیر را نشان می‌دهد برای نشان دادن رابطه همبستگی بین آنها از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است.

نام متغیر	تعداد	همبستگی پیرسون	سطح معنی‌داری
اعتماد عام	۳۹۰	۰.۳۸۰	۰.۰۰۰

با توجه به نتایج به دست آمده از جدول بالا، می‌توان گفت که با اطمینان ۰/۹۹ و سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۱ بین اعتماد تعمیم یافته و احساس امنیت رابطه وجود دارد. از طرفی مقدار این رابطه که برابر ۰/۳۸ است، به صورت مستقیم (مثبت) و در حد متوسط می‌باشد. به عبارت دیگر با بالا رفتن اعتماد بین شخصی، میزان احساس امنیت نیز به نسبت متوسطی بالا خواهد رفت.

در حالت کلی از آنجا که متغیر مستقل (اعتماد) و متغیر وابسته (احساس امنیت) در سطح سنجش فاصله‌ای اندازه‌گیری شده‌اند و نمودار پراکنش آنها یک رابطه خطی بین این دو متغیر را نشان می‌دهد، برای نشان دادن رابطه همبستگی بین آنها از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است.

نام متغیر	تعداد	همبستگی پیرسون	سطح معنی‌داری
اعتماد	۳۹۰	۰.۳۳۸	۰.۰۰۰

با توجه به نتایج به دست آمده از جدول بالا، میتوان گفت که با اطمینان ۰/۹۹ و سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۱ بین اعتماد و احساس امنیت رابطه وجود دارد. از طرفی مقدار این رابطه که برابر ۰/۳۳ است، به صورت مستقیم (مثبت) و در حد متوسط می‌باشد. به عبارت دیگر با بالا رفتن اعتماد، میزان احساس امنیت نیز به نسبت متوسطی بالا خواهد رفت.

نتیجه‌گیری

در این مقاله متغیر احساس امنیت به عنوان متغیر وابسته مورد واکاوی و تبیین قرار گرفته و از متغیر اعتماد، به عنوان متغیر مستقل در این تبیین کمک گرفته‌ایم. این متغیر در سه بعد اعتماد بنیادین، اعتماد بین شخصی و اعتماد تعمیم یافته سنجیده شده و

ارتباط هر یک از آنها به طور جداگانه با احساس امنیت بررسی شده است. نتایج توصیفی این طرح نشان می‌دهد که شهروندان اراکی از نظر اعتماد بنیادین در حالت کلی در سطح بالایی هستند و بیش از نیمی از پاسخگویان (۵۴/۳ درصد) اعلام کرده‌اند که اعتماد بنیادین بالایی دارند. همچنین یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که شهروندان اراکی از نظر اعتماد بین شخصی نیز در وضعیت متوسط و متوسط رو به بالایی به سر می‌برند و می‌شود گفت که این شهروندان از نظر شاخص اعتماد بین شخصی در وضعیت بدی نیستند. به طوری که اندازه میانگین این شاخص در بین آنها ۶۵ می‌باشد. این نتیجه با استدلال‌های نظری نیز همخوانی دارد؛ به طوری که در جامعه در حال گذار با وجود ورود مدرنیته در عرصه‌های گوناگون، رفتارهای سنتی همچنان در بین کنشگران حاکم می‌باشد. بنابراین اعتماد صمیمانه در بین اعضای آن حاکم بوده و اعتماد از نوع شخصی است، به عبارتی در بین کنشگران آشنا با یکدیگر اعتماد وجود دارد. در حالی که در جوامع مدرن و پیچیده امروزی برای بهبود و تسهیل روابط اجتماعی نیاز به اعتماد در سطح وسیع تر و غیر شخصی تری می‌باشد. لازم به ذکر است که این نتیجه با نتیجه به دست آمده در تحقیق سجاد او جاقلو، محمد جواد زاهدی (۱۳۸۴) " بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل موثر بر آن در بین ساکنان شهر زنجان " که بین سنت گرایی و اعتماد تعمیم یافته رابطه وجود دارد همخوانی دارد.

این در حالی است که اعتماد غیر شخصی یا همان اعتماد تعمیم یافته در بین شهروندان اراکی پایین می‌باشد یعنی حدود ۳۰ درصد از پاسخگویان اعلام کرده‌اند که به افراد غریبه اعتماد چندانی ندارند و ۲۵ درصد از آنها در حالت بینابین در این مجموعه قرار دارند و میانگین این نوع اعتماد ۵۶ می‌باشد که از میانگین اعتماد بین شخصی کمتر است.

همچنین یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در حالت کلی اعتماد در بین شهروندان اراکی از سطح بالایی برخوردار می‌باشد. به طوری که نمره میانگین اعتماد در بین

شهروندان اراکی ۶۲ است و این نمرات نشان می‌دهند که این شهروندان از نظر اعتماد در وضعیت مطلوبی به سر می‌برند.

از نظر احساس امنیت یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در حالت کلی احساس امنیت در بین اراکی‌ها در حد متوسط می‌باشد به طوری که حدود ۴۴ درصد از آنها اعلام کرده‌اند که احساس امنیت می‌کنند. همان طور که مشاهده می‌نمایید یافته‌های تجربی با دلالت‌های نظری موجود و تئوری‌های مورد استفاده در چارچوب نظری همخوانی دارند.

از حیث تحلیل تئوریک، اعتماد شرط لازم تحقق امنیت خواهد بود و در غیر این صورت یعنی اگر اعتماد پرورش نیابد نتیجه‌اش هراس وجودی و احساس عدم امنیت خواهد بود. از نظر گیدنز اعتماد از مهم‌ترین ویژگی‌های مورد نیاز در ایجاد ارتباط میان انسان‌هاست و با تغییر جوامع سنتی و تبدیل شدن آنها به جوامع مدرنی که دیگر روابط چهره به چهره ویژگی غالب آن نیست، شکل‌گیری اعتماد نیز تغییر کرده است. زندگی در دنیای مدرن زندگی در محیطی آکنده از شانس و خطرهای احتمالی است. در دنیای قدیم و سنتی بحث سرنوشت و تقدیر آینده رقم زده شده را برای افراد ترسیم کرده بود و در آن آینده وضعیت افراد از قبل مشخص بود، ولی در دنیای جدید کنار گذاشتن نگرش تقدیرگرایانه به آینده، مفهوم خطر کردن به واسطه این که درها به روی آینده مسئله ساز و ابهام آور گشوده است، جایگاه مرکزی پیدا کرده و احساس امنیت افراد را تحت تاثیر قرار داده است. ما بر مبنای یافته‌های این پژوهش راه حل‌های کاربردی خاصی را به منظور تقویت و ارتقاء احساس امنیت، پیشنهاد می‌کنیم.

به استناد یافته‌های موجود حدود ۴۰ درصد از جامعه مورد بررسی احساس امنیت نمی‌کنند، در این صورت می‌توان داوری کرد که در همه متغیرهای ناظر بر ابعاد احساس امنیت درصدی از پاسخگویان ارزیابی منفی داشته‌اند. بنابراین با الهام از یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان در جهت تقویت و حفظ احساس امنیت تلاش کرد. اکنون این سوال مطرح است که برای افزایش احساس امنیت چه باید کرد؟ از یافته‌های

نوشتار حاضر باید در پاسخ به این سوال استفاده کرد. راه حل عملی ما آن است که باید به داده‌های تجربی هریک از متغیرهای مورد مطالعه در این پژوهش رجوع و مشاهدات پرابلماتیک را استخراج کرد و از آنها جهت حل مساله استفاده کرد. تلاش در جهت ایجاد تغییرات مثبت در مشاهدات بحرانی توصیه می‌شود. بنابراین در ادامه بحث بر حسب متغیرهای مورد مطالعه، به ارائه راهکارهای عملی می‌پردازیم.

از آنجا که شواهد تجربی به دست آمده ارتباط قوی تر بین اعتماد تعمیم یافته را نسبت به دیگر ابعاد اعتماد با میزان احساس امنیت نشان می‌دهند راه حل عملی برای ارتقاء احساس امنیت ارائه راهکارهایی جهت افزایش اعتماد تعمیم یافته می‌باشد. افزایش سطح اعتماد تعمیم یافته: براساس یافته‌های این پژوهش با کنترل متغیر اعتماد تعمیم یافته، پایه احساس امنیت معادل ۰/۳۵ است.

راه حل‌های افزایش برآورد اعتماد تعمیم یافته به شرح زیر قابل تعریف است:

- ✓ بازنگری در مجاری اجتماعی کردن اولیه یعنی خانواده، مدرسه و دوستان و بویژه کتاب‌های درسی که مجرای رسمی انتقال مفاهیم فرهنگی به کودکان است.
- ✓ تقویت طرز تلقی‌ها، آداب و رسوم و هنجارهای فرهنگی، ارزشی و دینی که اعتماد را سر لوحه عمل و راهنمای رفتار قلمداد می‌کنند مانند: صداقت، وفای به عهد، اعتماد به نفس، اعتماد به دیگران و امانتداری؛
- ✓ ترویج مراسم و مناسک ملی به منظور تقویت احساس تعلق جمعی؛
- ✓ تقویت حس ایثار و از خود گذشتگی، خودباوری و علاقه مندی به جامعه در فرزندان توسط اعضای بزرگسال خانواده، مدرسه، دانشگاه و سایر عوامل جامعه پذیری؛
- ✓ گسترش روح نقد و نقد پذیری در جهت جلب مشارکت موثر عمومی؛
- ✓ فراهم کردن تمهیداتی برای گسترش شبکه‌های ارتباطی و بده بستان‌های عاطفی میان مردم؛

✓ تقویت تشکله‌ها و انجمن‌های محلات شهری به منظور شکل‌گیری تعلق جمعی و احساس همبستگی میان مردم؛
✓ ایجاد مراکز اصلی و فرعی در سطح محله‌ها و بازسازی کارکردی و زیربنایی این مراکز در راستای تقویت احساس تعلق عمومی و افزایش اعتماد جمعی؛
✓ ایجاد فضاهای مناسب برای تقویت تعاملات اجتماعی در قالب برگزاری مراسم‌های گوناگون.

منابع

- استونز، راب. (۱۳۷۹)، *متفکران بزرگ جامعه‌شناسی*، تهران: انتشارات جامعه.
- پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان. (۱۳۸۰)، *دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- خوشفر، غلامرضا و دیگران. (۱۳۸۹)، دانشجو، اعتماد اجتماعی و احساس امنیت (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه گلستان)، *مقالات برتر همایش ملی دانشجو، نظم و امنیت*، دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان مرکزی، اراک: نشر نویسنده.
- زتومکا، بیوتر. (۱۳۸۴)، *اعتماد یک نظریه جامعه‌شناختی*، ترجمه: فاطمه گلابی، تبریز: انتشارات ستوده.
- ساعی، علی. (۱۳۸۶)، *روش تحقیق در علوم اجتماعی (با رهیافت عقلانیت انتقادی)*، تهران: سازمان مطالعات و تدوین کتب علوم انسانی (سمت).
- کسل، فیلیپ. (۱۳۸۳)، *چکیده آثار گیدنز*، ترجمه: حسن چاوشیان، تهران: انتشارات ققنوس.

- گروسی، سعیده. (۱۳۸۷)، بررسی رابطه اعتماد اجتماعی و احساس امنیت (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه جیرفت)، *فصلنامه دانش انتظامی*، سال نهم، شماره دوم.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۷)، *پیامدهای مدرنیته*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۸)، *تجدد و تشخص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*، ترجمه: ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- یار محمد توسکی، مریم. (۱۳۸۹)، دانشجوی، اعتماد اجتماعی و احساس امنیت (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه گلستان)، *مقالات برتر همایش ملی دانشجوی، نظم و امنیت*، دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان مرکزی، اراک: نشر نویسنده.

